

## کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم

محمد تقی بیک ارباب

از محمد تقی بیک ارباب ادیب و فاضل قم در دوره ناصری و در گذشته سال ۱۳۱۱ که در روزگار خود از آگاهترین کسان به وضع و حال این شهر بود (۱) دو اثر درباره قم به دست داریم :

۱ - تاریخ دارالایمان قم که آن را در سال ۱۲۹۵ به درخواست میرزا سید مهدی حکمران قم نگاشته و از رسائلی است که به منظور تدوین مرآت البلدان ناصری برای دارالتألیف همایونی فراهم آمده است .  
از این رساله نسخه‌ای به شماره ۱۸۱۷۴ دفتر در کتابخانه مجلس سنا ،  
و نسخه‌ای دیگر ضمن هشت مجلد رسائل تدوین شده برای دارالتألیف به شماره ۷۲۵ کتابخانه وزارت دارایی اکنون در کتابخانه بیوتات سلطنتی است (۲) .  
این رساله سال گذشته بر اساس نسخه سنا به کوشش نویسنده سطور در قم چاپ شد .

### ۲ - کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم از بدوآبادی الی

- ۱ - سرگذشت او در تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم از علی اکبر فیض : ۲۲-۲۶ پ نسخه ش ۱۴۵ کتابخانه آقای مرعشی در قم ، تاریخ قم همو : ۲۳-۲۴ پ نسخه اصل ، شرح زندگانی من مستوفی ۱ : ۵۱۷-۵۱۸ چاپ دوم ، تحفه القاطمین ۲ : ۱۴۰-۱۴۲ ، کتابشناسی آثار مربوط به قم : ۷۳-۷۸ و مصادر دیگر دیده شود .
- ۲ - فرهنگ ایران زمین ۶ : ص ۸ .

یومنا هذا، که آنرا ده سال پس از اثر نخست در سال ۱۳۰۵ (و به حسب قاعده طی یکی دوروز) به خواهش میرزا علی اکبر حکیم باشی طهرانی - طیب خاصه شاهزاده فخر الملوك درقم (۱) - نگاشته و در ۶ صفر این سال به پایان برده است. او در هیچ جای این اثر به نام خود به عنوان نگارنده آن تصریح نکرده، لیکن در ذیل سخن از قنات ناصری قم که خود «میراب» و سرپرست امور آن بود (۲) به شناساندن خویش پرداخته و از مساعی خود در احداث و سرپرستی امور آن یاد کرده است.

این رساله با آن که تقریباً در همه موارد کوتاه تر و فشرده تر از رساله نخستین است به خاطر در برداشتن آگاهی هایی افزون تر بر امون وضع آن دوره قم، از رهگذر تحقیق در تاریخ و گذشته این شهر اثری سودمند وارزنده است. نسخه ای از آن در ۳۶ برگ همراه نسخه ای از ترجمه کتاب قم در کیمبرج و فیلمی از همین نسخه به شماره ۳۸۴۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۳) است که اغلاط و اشتباهات و انداختگی هایی بسیار دارد و در اینجا به نشر آن بر اساس فیلمی که در دانشگاه هست با اصلاحات قیاسی مبادرت می رود.

م . ط

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- ۱ - سفرنامه قم افضل الملك : ۱۴۶ چاپ نویسنده.
- ۲ - تاریخ دارالایمان قم همو : ۸۵-۸۶ و ۱۱۶، مستوفی ۱ : ۵۱۸.
- تذکره فیض : ۲۲-۲۶، سفرنامه افضل الملك : ۶۲.
- ۳ - فهرست فیلم ها ۲ : ۲۵۶.

بسم الله الرحمن الرحيم

## کتابچه تفصیل احوالات دارالایمان قم از بدو آبادی الی یومنا هذا

بنابر خواهش قبله و سرور مکرم افلاطون الزمان جالینوس الدوراندرأس  
ورئیس اطباء ایران نمونه حکمت طبیعی بوعلی سینا میرزا علی اکبرخان حکیم  
باشی بهرشته تحریر درآمده .

\* \* \*

ولایت قم از بلاد عراقعجم وسط معموره بلاد جبل است . از جمله چهار  
شهری است که عرض و طول او را در قدیم صددرصد گرفته اند . اگرچه حالاً کثر  
مجال او جزو عراق و کاشان شده .

از قراری که از تواریخ عرب و عجم معلوم می شود صفحه این شهر در زمان  
سلاطین کیان محل ورود رودخانه اناربار بوده و بحیره کوچکی بوده ، در اطراف  
او چراگاه حشم و یلخی سلاطین عصر بوده ، در اطراف او گله بانان خانه های ازی  
ساخته « کومه » می گفته و « کم » می نامیدند . بعد که به دست حکام عرب افتاد  
« قم » نامیدند .

اول فرجه او از آب به حکم کیخسرو شده و امنای دولت آن پادشاه بعد  
از خالی شدن زمین از آب هر یک نهری از رودخانه جاری ساخته ، محل زراعت  
و قلعه و سکنه قرار داده و به اسم خود موسوم نمودند که از اسامی آنها معلوم می  
شود که اعلام مجوس بوده ، دخلی به اسامی عربی ندارد . مثل این که انبار و  
مزارع را « براوستان » و « جمکران » و « ابرستجان » و « کمیدان » و از این قبیل

نامیده اند و به جهل حصاران مشهور بود .

در ازمئه سابق حقوق دیوانی او جزو حکومت اصفهان بوده تا آن که بعد از رسالت خاتم پیغمبران - صلی الله علیه وآله - خلفای راشدین این ملک را مفتوح ساختند جزیه بر مجوسان قرار دادند .

تا زمان خلافت عبدالملک مروان اموی در سنه هشتاد و دو هجری که حجاج بن یوسف ثقفی امیر عراقین بود عبدالرحمن بن محمد اشعث کنندی را شصت هزار سوار داده ، به تسخیر ولایت کابل و قندهار فرستاد . بعد از چندی در تقسیم خمس غنایم میان عبدالرحمن و حجاج اختلافی پیدا شده . عبدالرحمن لشکر عرب را با خود متفق ساخته ، سر از اطاعت حجاج پیچیده ، اسم امارت بالاستقلال بر خود نهاده ، به کلی از ارسال غنایم سر باز زده ، خبر این غائله به حجاج رسید . چند مرتبه لشکر از عراق عرب و بصره و خوزستان به دفع فتنه او فرستادند منتهی مراجعت نمودند . تا آنکه عبدالرحمن در خراسان و عراق عجم استقلال پیدا کرد . در آخر امر لشکر بی شمار از شام و عرب به رزم فرستادند . در اهواز تلافی فریقین شده ، در این کورت لشکر عبدالرحمن منهزم شده به طرف قندهار به امید حمایت «رتبیل» حاکم آن دیار رفت . لشکر او متفرق شدند و «رتبیل» با او غدر کرده ، گرفتار و مقتول گردید .

از آن جمله لشکر عبدالرحمن قبایل اشعری بودند که از وفدین بودند که در عهد حضرت رسالت پناهی به شرف اسلام فایز شده بودند و در خلافت خلفا ساکن عراق عرب بودند . از بیم حجاج ترك وطن مألوف کرده ، به عراق عجم آمدند . در جهل حصاران در کوه یزدان فاذا که غربی قم است چادر نشین شدند . مقارن ورود آنها سواران دیلم به غارت مجوسان جهل حصاران آمده ، اسیر و حشم زیاد به غارت بردند . اعراب که سواران مهیا و باجلادت بودند بر آنها تاخته ، اسرا و اموال مجوسان را استرداد نمودند . مجوسان مجاورت آنها را مغتنم شمردند قریه کمیدان را که از قراء معتبر خودشان بود به جهت مرتع و زراعت و سکای اعراب معین نموده ، به طریقه دوستی سلوک نمودند .

تا آن که بعد از زمانی به جهت اختلاف دین و مذهب مؤالفت مبدل به مخالفت شده، در شب عید نوروز عجم رؤسای عرب غلامان خود را فرستاده، رؤسای مجوسان را در خوابگاه مقتول ساخته، صبح عید عزای همه مجوسان شد. لشکر عرب بر آنها تاخته، اموال و حشم آنها را تصرف نمودند. چون تفرقه آنها اسباب فتنه بود بنای شهر قم را نهادند که تمام مجوسان در يك محل جمع باشند. در اراضی مجان و میان رودان بنای شهر را گذاشتند.

در آن وقت مشایخ اعراب عبدالله واحوص و مالك اشعری بودند. شهری بنا نمودند دوهزار و پانصد ذرع عرض و دوهزار و پانصد ذرع طول، که به حسب مساحت معمول قم - که يك صد و بیست ذرع زمین را يك من تبریز بذرافشان حساب می کنند و ریسمان مساحی را بیست ذرع شاه گرفته درهم ضرب می کنند حاصل ضرب را هر سه ریسمان يك جریب می دانند. اراضی داخل باره شهر از این قرار می شود (۱) :

عرض : دوهزار و پانصد ذرع .

طول : دوهزار و پانصد ذرع .

از قرار بیست ذرع يك طناب :

عرض : يك صد و بیست و پنج طناب .

طول : يك صد و بیست و پنج طناب .

مقرراً مضروبی : پانزده هزار و شش صد و بیست و پنج طناب .

المقررثلث : پنج هزار و يك صد و بیست و پنج (۲) جریب .

از قرار ده جریب يك خروار دیوانی : پانصد و دوازده خروار و پنجاه من

محل بذرافشان محوطه شهر می شود .

\* \* \*

در این دولت جاوید آیت به واسطه اجرای قنات مبارکه ناصریه که حسب

۱ - رقمها در اصل به سیاق .

۲ - کذا .

الامر اقدس شاهنشاه جم جاه به جهت سلامتی وجود اقدس وقف شهر شد تمام این محوطه آباد شده . و داخل شهر به جهت سلامتی هوای شهر يك حلقه باغات در کنار باره ساخته اند که از هر طرف با دهای سموم بوزد سمیت او را اشجار گرفته ، حالت نسیم صبا پیدا کند . به قدر يك صد خروار این اراضی باغات است که داخل شهر است و احاطه به بیوتات دارد و از آب رودخانه حقا به دارند و مالیات می دهند و در جمیع بیوتات باغچه خانهها دارند که به قدر کفاف اهل خانهها غالباً میوه می دهد . شهری است خرم و باصفا ، آب و درشوار ع جاری و اشجار او هویدا .

آب او از رودخانه انار بار که از کنار شهر می گذرد و سرچشمه رودخانه از کوهسار که فاصله میان بختیاری و خوزستان است مشهور به زرد کوه . از سرچشمه تا شهر قم به خط مستقیم هفتاد و پنج فرسخ طول دارد و از شهر قم گذشته به قمرود و مسیله می رود و در آن بیابان مستهلک می شود . الان چند سال است که از مسیله رفتن مانعی پیدا کرده که به کویر حوض سلطان می رود و بحیره شده .

اما صفحه قم واقع است در همواری که عرضاً چهار فرسخ و طولاً پنج فرسخ است که در این صفحه مزارع و باغات قم است . انهار آن که از رودخانه آب بر می دارد - به غیر انهار جدید - ده نهر دارد که به قدر هفتاد سنگ از رودخانه آب بر می دارد و به زراعت حومه شهر می رود از قرار تفصیل ذیل:

نهر براوستان - نهر کرج - نهر شمس آباد خالصه - نهر جمکران - نهر شهرستان - نهر مهر ویان - نهر ابرستجان - نهر تنه پایین و چهار باغ - نهر مزدیجان - نهر کمیدان .

در این انهار حقا به زراعت و باغات شهر قم است .

\* \* \*

باغات او از قرار تفصیل ذیل است که بعضی قدیم و بعضی در این دولت جاوید آبت آباد شده :

## باغات قدیم :

باغ قلعه حاج میرعلی نقی - به قدر هشت خروار / باغ قلعه میرزاجان -  
 شش خروار / باغ معصوم آبادوقی حضرت معصومه - سیزده خروار / باغ  
 دلگشا - چهارخروار / باغ کورچه خوزیان - شش خروار / باغ ریگ - چهار  
 خروار / باغ قاضی (بیونات شده) - شش خروار / قلعه افغانی - سی من / باغ  
 مورچی - چهار خروار / غیاث آباد - هشت خروار / سلطانم - دو خروار /  
 دولت خانه - سه خروار / باغ صفا - چهار خروار و پنجاه من / باغچه نو -  
 پنجاه من / ایضاً باغچه نو - سه خروار و پنجاه من / زنبیل آباد - دوازده خروار /  
 عنایت بیک - شش خروار / باغ دودانگه - چهار خروار / باغ میرزا ابراهیم -  
 چهار خروار / باغ حمام - پنج خروار / باغ قاسم دباغ - هفت خروار /  
 مراد آباد وقی - هشت خروار / باغ مسکران - شش خروار / باغ کرباسی -  
 سه خروار / سلاخ خانه - سه خروار / باغ منده - سه خروار / خواجه جعفر -  
 چهار خروار / باغ حیدری - چهار خروار / باغچه محب - سه خروار /  
 باغ پشم - سه خروار / باغ گنبدسبز - سه خروار و پنجاه من / باغ دراز - سه  
 خروار / باغچه علی - پنجاه من / شاه مراد - سه خروار و سی من / فخر آباد -  
 دوازده خروار / باغ نو سروکاج - هشت خروار و سی من / باغ حاجی علی خان -  
 سه خروار / باغ حاجی میرزا محمدعلی - سه خروار / شمس آباد - سه خروار  
 و سی من / باغ دراز - چهار خروار .

## باغات جدید که در این دولت جاوید آیت آباد شده:

باجک متولی باشی - سه خروار و پنجاه من / نیم حصه متولی باشی -  
 سه خروار / باغ حاجی عسکرخان - شش خروار / باغ حاجی قربان خان بیک -  
 چهار خروار / باغ آقاسین - سه خروار / باغ صاحب آباد - شش خروار /  
 باغ محمدتقی بیک از باب - سه خروار و سی من / باغ قهبیان وقی - سه خروار /  
 باغ حاجی میرزا علی نقی - سه خروار و سی من / باغچه آقا سید حسن - پنجاه  
 من / زنبیل آباد جدید - شش خروار .

این باغات همه مشجر . از فواکه بهاره سیب وزردآلو و گوجه و قیسی دارد در نهایت فراوانی که اکثر اوقات يك من تبریز به صد دینار و سه شاهی می رسد و میوه پاییز آنها انار و انجیر و به و امرود و آلو و خواجگی که اغلب سالها خرواری يك تومان و پانزده هزار می شود در نهایت فراوانی و کسادی فروش می رود .

\* \* \*

مزارع این بلد که از آب رودخانه مشروب می شود به هفتاد حصه قسمت می شود که هر حصه سی خروار تا چهل خروار بذر کاری می شود که بازرعات باغات به قدر سه هزار خروار بذر آب رودخانه این بلد می شود و سه هزار خروار جنس به دیوان می دهند . حاصل زمستانی آنها جو و گندم و باقلا و سنگک است . حاصل تابستانی آنها جوزق و کرچک و خیار و خربزه و هندوانه و کدو و کتجد است و از بقولات همه سبزی دارند از کاهو و اسفناج و ترب و نعناع و تره و ترتیزک و ربیحان و پیاز .

\* \* \*

خانوار این شهر به قدر چهار هزار خانه و عدد نفوس از صغیر و کبیر موافق شماره سنواتی بیست و پنج هزار می شود . ربع این نفوس تخمیناً سادات و علما ، و ثلث آنها اهل بازار و اصناف و اهل صنعت ، ثلثی رعیت زراعت کار و باغبان ، باقی هیزم کش و فاعله می باشند که مزدوری می کنند . والله العالم بحقایق الامور .

پرتال جامع علوم انسانی



## وضع ولایت قم

### از بابت نقاط شهر

دارالخلافه در نقطه شمال او واقع است . اصفهان مقابل نقطه جنوب ، کاشان و کویرات در نقطه شرقی ، ساوه و توابع در غربی او می باشد .

دهات و بلوک و توابع او از این قرار: قراء جنوبی کوهسار و بیلاق است . شمال او چندان آبادی ندارد . در شرقی قنوات حریمه شهر است که اقرب آنها تا شهر یک فرسخ و ابعد آنها چهار فرسخ است . در غربی بیش تر از یک قریه ندارد از قرار تفصیل ذیل :

بلوک قهستان / بلوک جاسب / بلوک اردهال / بلوک وازکرد / بلوک کنار رودخانه / بلوک حومه شهر / بلوک قمرود و توابع .  
مقرراً آن که :

### بلوک قهستان

در جنوب شهر قم واقع است . اقرب آنها تا شهر سه فرسخ و ابعد تا هفت فرسخ می شود . کوهستان و بیلاق با آب های شیرین گوارا . موافق تفصیل :

#### قریه ورجان :

به قدر یک صد خانوار دارد . آب او از قنات ، میوه باغات او انار و انجیر چنان که هر درختی پنجاه من میوه می دهد و فواکه بهاری هلو و شلیل و زرد آلودارد و حاصل زمینی آن گندم و جو ، اغلب صیفی او جوزق و کرچک . اقرب دهات قهستان به شهر قم . تا شهر سه فرسخ مسافت دارد .

**قریه سیرویه :**

از قراء قهستان. مسافتش تا شهر سه فرسخ. خانوار او به قدر بیست خانه. هوای او معتدل. در جلگه واقع است. باغات او انار و انجیر و فواکه. حاصل ارضی او گندم و جو و جوزق و کرچک. آب از قنات است.

**قریه کهک :**

از معظم قراء قهستان. جمعیت او به قدر یک صد و پنجاه خانوار. صفحه او دریک (۱). باغات او فواکه خوب دارد. انار و انجیر هم دارند. حاصل آنها گندم و جو. جوزق کاری آنجا مشهور است. رعیت باوقوف خوبی دارد. مشتمل بر چند قنات و چند مزرعه مرغوب. تا شهر چهار فرسخ مسافت دارد.

**قریه قبادبزن :**

از بلوک قهستان قم. تا شهر قم پنج فرسخ مسافت دارد. جمعیتش به قدر چهل خانوار. باغاتش فواکه. حاصل او گندم و جوزق و نخود. رعیت های آنجا چندان اعتباری ندارند. آبش از قنات است.

**قریه فردو :**

از قراء قهستان. هوایش بیلاق. در میان کوهسار واقع است. آبش از قنات و چشمه سار. خانوارش به قدر یک صد خانه. باغاتش جوز و سیب و قیسی و سایر فواکه. حاصل ارضی او جو و گندم و جو ترشه و نخود و ماش و عدس و لویا. «وریج» جناب متولی باشی از تبعه اوست که عمارات عالی و باغات با صفادارد. گوسفند فردو شیر بسیار می دهد.

**قریه خاوه و طیره :**

دو قریه مختصر است در اسفل فردو. باغات به اندازه خود دارند و زراعت کمی. خانوار آنها به قدر چهل خانه. فواکه خوب دارند و هوای بیلاقی و مرتع مرغوب و تیول شاهزاده هندی است که از جبار و جوار این دولت جاوید آیت است. جای باصفایی است.

(۱) . . . . .

### قریه وشنوه :

ازقراء معتبره قهستان . در آب وهوا به تخمین جنات اربعه دنیا در میان جبال راسیات . باغات بی شمار ، اشجار لاتعد ولاتحصی دارد از قبیل جوزق و بادام . فواکه او انگور و سیب وزردآلو و قیسی وهلو و گلایی . چون باد در آنجا به واسطه کوهسار کمتر حرکت می کند توت آنجا را از درخت نمی ریزد چنانچه تمامش رسیده به درخت می ماند تادستی بریزند. تریاک وشنوه به همه جا ترجیح دارد . هوایش ییلاق. آبش از رودخانه بیرقان که از تمام آبهای عالم باصفا تر وگوارا تر است . در آنجا مگس وهوام الارض کمتریافت می شود . حاصل آنجا گندم وجوترشه ونخود وعدس است . زیاده حاجت نیست .

### قریه کرمجگان :

ازدهات معتبره قهستان است. هوایش ییلاق و آبش از چشمهسار در نهایت فراوانی که شبها از صدای آب که به اشجار می خورد خواب مردم ضایع می شود . صفحه رودخانه او با اشجار بی شمار از قبیل سیب وزردآلو وهلو و آلوبخارا وامرود . سیب انباری آنجا به شدتی می شود که عطر او تادو فرسخ می رود . خانوار آنها يك صدخانه متجاوز است . حاصل زمینی آنها گندم و جو وجوترشه ونخود وعدس ولویا . جبال راسیات دارد که در اغلب سالها برفش برطرف نمی شود. آبهای در تابستان حالت آب یخ دارد .

### قریه بیدهند :

ازقراء قهستان . در اسفل قریه کرمجگان واقع است . آبش از چشمهسار شیرین وگوارا . باغاتش بانزهت و صفا مشتمل بر اشجار مشمر از جوز و بادام و سیب وامرود و گلایی و بهوآلو و آلوبخارا. درختی است در این قریه از جنس آلو که آنرا «هرهریچه» می گویند آنقدر بارور می شود که درخت او خرد

۱ - يك صفحه از نسخه اساس - به طبع مشتمل بر وصف دو قریه میم و دستجرد - در عکس ما و فیلم دانشگاه نیست .

می‌شود. مکرر دیده شده که درخت سیب آنجا چهارخوار دهرانی ثمر می‌دهد. حاصل‌زمینی آنها گندم و جو و جو ترشه که در وسط تابستان کشته می‌شود و درمیزان بدست می‌آید. خانوار آنجا به قدر یک صد خانوار می‌شود و چند مزرعه با صفا دارد.

### قریه ابرجس :

از قراء قهستان. هوایش ملایم. آبش از قنات و فاضل آب یدهند. باغاتش قلیل. میوه آنها جوز و بادام و فواکه. حاصل ارضی آنها گندم و جو و جو ترشه و نخود و عدس و جوزق و کرچک. خانوار او به قدر پنجاه خانه. از همه دهات شریر تر و پر شورتر، اکثر ایام در میان آنها نزاع است یا شاکی از حکومت هستند. باین واسطه اکثر مالبات خود را تخفیف گرفته‌اند.

### قریه و نارچ :

از قراء قهستان. در سه فرسخی شهر قم واقع است. هوایش ملایم. آبش از قنات. مردمش زبان ترکی خلعجی دارند. باغات مختصری دارد از انار و انجیر و فواکه. عمده حاصل آنها گندم و جو و در تابستان جوزق و کرچک خوب دارند و مداخل و معاش آنها از گوسفندی گذرد. قاعده دارند که در تابستان پنیر و روغن خود را در جایی گذاشته، روی او را می‌پوشند و پوشش او را «باسرق» می‌گویند. اگر غریبی وارد شود به هر قیمتی نان خورش بخواهد نمی‌دهند تا فصل پاییز که از «باسرق» بیرون بیاورند. مردمش بید و پلید، دیر آشنا می‌باشند. به قدر پنجاه خانوار سکنه دارد که غالب سال در میان خود نزاع دارند.

## قراء سبعة جاسب

در عرض مغربی قهستان واقع است از چهار سمت کوهسار و راه‌های دشوار. اغلب زمستان راه از برف مسدود می‌شود. هوایش بی‌یلاق. می‌گویند محل چراگاه رمة همای دختر بهمن بوده «جسای اسب» می‌گفته‌اند به کثرت

استعمال «جاسب» نامیده شده . در سه فرسخی او آتشکده ای بوده مشهور به «آتش کوه» که الان جدار آتشکده برجاست . سنگ های عظیم در آنجا کار کرده اند اگرچه سنگ باصفا ندارد لیکن در بزرگی خیلی عرض و طول و قطر دارد . یکی از آن سنگها را ذرع کردم سه ذرع و نیم طول و یک ذرع و نیم عرض داشت و دوازده گره قطر سنگ بود . اینها را در ستونها بر روی هم چیده اند در نهایت استحکام . از زیر آتشکده چشمه آبی جاری است که به آن آب زراعت می کنند . اهل آنجا طایفه بختیاری وحشم دارند .

### قریه کروگان :

از قراه سبعة جاسب . تاشهرقم هشت فرسخ مسافت دارد . در کنار کوه . اشجارش جوز و بادام و انگور و فندق و فواکه . هوایش در نهایت ییلاق . آبش از دره کوهسار . حاصل زمینی آنها گندم و نخود و لویا و عدس . خانوار آنها به قدر صد خانوار . مردمش اکثر کاسب حلواپزی که در شهرها می روند . حلوا می آرد خوب می پزند که در لذت ترجیح به حلویات شکر دارد .

### قریه واران :

از قراه سبعة جاسب . اعظم دهات آنجاست . آبش از کوهسار و قنوات . باغاتش جوز و بادام و فواکه و انگور . حاصل زمینی آنها جو و گندم و نخود و عدس و لویا و جوترشه . هوایش سرد ییلاقی . مردمش کاسب و رعیت پیشه . اکثر حلواپز و گیوه کش . در تابستان در جاسب سکنی دارند و زمستان در بلاد قم و کاشان و طهران مشغول حلواپزی هستند . به قدر دویست خانوار دارد . مسافتش تاشهرقم هشت فرسخ . مردمش هنگامه طلب ، اکثر اوقات با اهل دیوان نزاع دارند .

### قریه زر :

از قراه سبعة جاسب . وسط الحال در جمعیت . یکصد و پنجاه خانوار دارد . هوایش ییلاق . آبش از قنوات . باغات آنجا جوز و بادام و انگور و فواکه . حاصل زمینی آنها گندم و جو و جوترشه و نخود و ماش و عدس و لویا .

مردمش رعیت پیشه و کاسب از حلوایی و گیوه کشی و جولایی . در زمستان در بلاد متفرق می شوند و در تابستان در بلاد خود سکنی دارند . نسبت به سایر دهات جاسب در مایه بهترند .

### قریه هرازجان :

از قراء سبعة جاسب . اکثر مردمش سادات عالی درجات ، و از جمله سادات مرحمت پناه شاه صاحب بود که از جمله اقطاب روزگار بود . مداخل ملکی او به قدر خرج خانه نبود و مطالبه از کسی نمی کرد و هر گاه کسی بدرسم عطیه چیزی می داد قبول نمی کرد و باین حالت خرج های فوق العاده می کرد از مهمانی و روضه خوانی و صدقات و عطاهای به قراء و سادات ، و معلوم نبود از کجا می آید . خانوار این قریه به قدر پنجاه خانه . هوایش ییلاق . آبش از قنات باغاتش جوز و بادام و انگور و فواکه . حاصل ارضی گندم و جو و نخود و عدس و لویا و جوترشه و غیره .

### قریه وشتکان :

از قراء سبعة جاسب . در وسط دهات واقع است . هوایش ییلاق . آبش از قنات و چشمه ای دارد که در درون آن چشمه اشجار با طراوت و جای باصفا ، نزهت گاه خوبی است . اشجارش جوز و بادام و فندق و انگور و فواکه . خانوارش به قدر شصت خانه . حاصل ارضی جو و گندم و جوترشه و نخود و عدس و ماش و لویا . مردمش رعیت پیشه و سلیم النفس . در آن قریه سیدی دیدم در سن يك صد و چهارده سال و باین حالت مشغول رعیتی بود و مثل جوانان کار می کرد .

### قریه و سقوتقان :

از قراء سبعة جاسب . در اسفل جاسب واقع است . به قدر شصت خانوار رعیت دارد . هوایش ییلاق . آبش از قنات . اشجارش جوز و بادام و انگور و فواکه . حاصل ارضی آنجا جو و گندم و جوترشه و نخود و عدس و ماش و لویا . مردمش رعیت پیشه و کارکن . هوایش ییلاق با اعتدال .

### قریه بیجان :

از قراء سبعة جاسب . هوایش از سایر دهات جاسب معتدل تر . آبش از رودخانه وقتات . خانوارش به قدر يك صدم پنجاه . عمده اشجارش بادام است که مالیات و معاش آنها از قیمت بادام می گذرد . جوز و فواکه بسیار دارد . محل ورود همه آب های قراء سبعة جاسب . حاصل زمینی آنها از سایر دهات بهتر است و انگور شیرین و هلوی خوب دارد .

سوراخ جاسب در اسفل این قریه واقع است که تمام آب های دره ها و رودخانه جاسب از آن سوراخ می گذرد و رودخانه آن وارد به رودخانه قم می شود و در اغلب سالها به قدر صد سنگ فاضل آب دارد . در چند سال قبل مرحوم مستوفی الممالک میرزا یوسف که صدر اعظم ایران بود خواست سدی بر آن سوراخ و رودخانه بیدد که آب هادر پشت کوه جمع شده ، به تدریج بیرون برود در حدود دلجان زراعت کنند . چون دیدند در بستن آب اراضی بیجان زیر آب می رود موقوف نمودند .

### قراء اردهال

ابد بلوک قم است که تا شهر ده فرسخ مسافت دارد . هوایش ییلاق اما نه به شدت جاسب . دهاتش با صفا و دلگشا . صفحه اش روح افزا . پنج قریه دارد ، دو قریه آن که ارمک و مشهد سلطان [علی بن] محمد باقر است خیلی تعریف دارد . ارمک جایی است که نه از سرما نفس متالم می شود و نه از گرما . مردمش با بضاعت و ثروت . هر صاحب ملکی قلعه به خصوص دارد که تابعه خود در آنجا سکنی دارند .

مشهد مقدس محل ورود زوار و ارباب حاجت . قالیچه ای دارند که مشهور است جسد مطهر امام زاده را در آن کفن کرده اند . در این امتداد زمان او را در خزینه حراست می نمایند ، همه ساله در فصل خزان از کاشان و دهات در آنجا اجماع می شود به طریقه یابان عرفات ، و چهار بازار مهیا کرده هر کس متاعی

دارد در آنجا به فروش می‌رساند. از هر قریه باید جمعی باشند. . . . .  
 (۱) . . . . .  
 درخت است و نفوس آن دهات به قدر سیصد خانوار می‌شود و باغات آنها از همه میوه‌ای سواى انار و انجیر دارد. جوز و بادام و انگور بسیار دارد. حاصل زمینی آنها جو و گندم و نخود و ماش و عدس و لویا و پنبه‌کاری دارند. رعیت کارکن و صاحب خیلی دارند. آب آنها از قنوات، شیرین و گوارا. مزرعه و سف و وردی جز ولایت آنهاست که بی‌بلاق کاملی است که در تابستان بی‌بالا پوش نمی‌شود سبزی برد. شکار در آنجا از کبک و تیهو و شکارهای کوهساری بسیار است. کبک‌داری که به اندازه خروسی می‌شود در آنجا بسیار است. زراعت آنجا را باید بکارند و بعد از کاشتن بدرآیند حصادت سال قبل را نمایند و خرمن بردارند. همساله باید نسق دوساله مهیا داشته باشند. و در ماه اول میزان اغلب سالها برف صفحه آنجا را مستور می‌نماید و تا بعد از عید برداشته نمی‌شود.

## قراء و از کرد

از بلوک قم در دوفرسخی شهر واقع است مجاور حومه شهر. سه قریه:

### قریه لنجرو د:

آب او از قنات و از رودخانه بیرقان. هوایش ملایم نزدیک به هوای گرمسیر. باغاتش انار و انجیر چنان که هر درختی پنجاه من انار و انجیر می‌دهد. درخت توت بسیار دارد و فواکه به اندازه دازد. اراضی او مرغوب. بهتر از حومه شهر غله خیز. هندوانه او به قدر سه من و چهار من می‌شود. گندم و جوش در نهایت ریع و صیفی کاری خوب دارد از قبیل جوزق و کرچک و نخود و ماش و لویا. مردمش رعیت پیشه و کارکن. خانه‌های آنها در قریه خورآباد است در زمستان، و در بهار و پائیز به باغات لنجرو د بسرمی‌برند. ملگاً از قریه خورآباد

۱ - در اینجا هنگام استنساخ در نسخه اساس صفحه یا برگگی واگذاشته

شده و مطلب ناتمام مانده است.



بهتر است و هوای خورآباد ملایم تر ، به این جهت سکنی در خورآباد دارند .  
از آنجا تا خورآباد به قدر نلک فرسخ مسافت دارد لیکن خود آنجا جمع  
جداگانه دارد .

### قریه خورآباد :

از قراء و از کرود . هوایش معتدل مایل به گرمسیر . آبش از قنوات .  
باغاتش عمده ثمرش انار و انجیر به خوبی مشهور و معروف . غله کاری خوب  
دارند . صیفی از جوزق و کرچک و نخود و لویا خوب به عمل می آید . خانوارش  
به قدر صدخانه . در دوفسخی شهر قم واقع است در میان مشرق و جنوب . مردمش  
رعیت پیشه .

### قریه صرم :

از قراء و از کرود واقع در بین مشرق و جنوب قم . قریه معتبر . مردمش  
رعیت پیشه . و فتنه انگیز . مزارعش مستعد و باغاتش اکثر و اغلب انار و انجیر ، از  
همه انار آن حدود بامزه تر و آبدارتر ، در نهایت ارزانی ، خرواری يك تومان  
و پانزده هزار می شود . آبش از قنوات مستعد آسمان نگر . در سال های کم بارشی  
کم آب می شود و در بارندگی زود آبش جاری می شود . همه میوه اش به شهر  
قم فروش می رود . به قدر يك صد خانوار سکنه دارد که اشتغال به امر رعیتی  
دارند .

## قراء و مزارع کنار رودخانه اناربار

از قدیم النسق و جدید النسق که جزو مالیات قم است .

### قریه طایقان :

از قراء قدیم النسق قم به قدر هفتاد خانوار رعیت دارند و هوای او معتدل .  
حاصل باغاتشان انار و انجیر و فواکه . حاصل زمینی آنها گندم و جو و جوزق  
کاری در نهایت اعتبار . آبشان از رودخانه اناربار .  
از غریب روزگار این که در میان رودخانه سنگی اتفاق افتاده که آب

رودخانه از روی سنگ می ریزد به قدر شش ذرع مثل ناودان . در اول ماه جوزا که می شود آنچه ماهی که در گرمسیر است می رود روبه ییلاق باید آب را عبره کرده از این ناودان بالا بروند و به طرف ییلاق بروند . ماهی به قوت خود از میان آب بالا می رود که هر گاه کسی بخواهد به قوت خود سنگی را بدرسمان بستاند ، بالا بکشد نمی شود و این سنگ و آبشار را « تلمبه » می گویند . حکایت عجیبی است بالا رفتن آنها .

### قریه چشمه علی :

از قراء جدید النسق است که مالیات جدید براو بسته اند . تاشهر قم پنج فرسخ مسافت دارد . آبش از رودخانه . هوایش معتدل . باغاتش انار و انجیر و قدری فواکه . حاصلش جو و گندم . [ صیفی ] پنبه کاری دارند و نخود و کرجک . اغلب معاش آنها از گوسفند می گذرد . به قدر ده خانوار رعیت دارد .

از حکایات تازه که قابل نوشتن است : در کنار رودخانه محاذی چشمه علی کوهی است سنگ زرد رنگ دارد و سر کوه چشمه ای است که به فرق کوه افتاد و به قدر دیگ کوچکی سرو باز است ، در جوشش است مثل دیگ که آتش بسیار در زیر آن باشد می جوشد و کف می کند ، به قدر دو گره کفش از دهنه سنگ بالامی آید که گویا در روی سنگ جاری می شود ، بعد فرو می رود . متصل جوشش دارد ، بالا می آید و فرو می رود . آبش سرد است و شوری دارد . کسی ندانسته سبب جوشش و رد کردن چیست .

### قریه لریجان :

از قراء جدید النسق کنار رودخانه قم . صفحه وسیعی دارد . آبش از رودخانه . در میان رودخانه سد محکمی بسته اند و نهر او را جاری کرده اند . حاصلش جو و گندم و پنبه . باغاتش انگور و هلو و فواکه . نامحلات دوفرخ است . سبب خوب دارد قرمز به رنگ یاقوت . قیسی دارد کمالی می گویند در نهایت شیرینی . به قدر سی خانوار سکنه دارد .

از جاهای باصفای آنجا باغ حاجی آخوند محلاتی است که در سر راه

ساخته، چنار و نارون‌های خوب دارد و همه میوه‌ای دارد و این باغ را حاجی آخوند وقف عابرین سیل کرده ، در سر راه کمره و گلیایگان و محلات واقع است . تختی در اول باغ ساخته‌اند ، نهر آب از زیر تخت می‌گذرد و در هر فصلی میوه آن باغ را در سیدها کرده روی تخت می‌گذارند ، عابرین سیل می‌آیند به قدر اشتها و میل از آن میوه می‌خورند و می‌روند ، حق بردن ندارند . اضافه خرج خوراک آن‌ها را می‌برند می‌فروشند . خداوند رحمتش کند .

\* \* \*

سایر مزارع کنار رودخانه بسیار است . به قدر هفتاد نهر تا محلات و نیمور از رودخانه بر می‌دارند و زراعت آنها گندم و جو و پنبه‌کاری و کربک دارند و هفده فرسخ مسافت این دهات و مزارع است که بعضی جزو جمع قم و بعضی جزو جمع عراق و بعضی جزو سایر بلوک است . جایی که تازگی داشته باشد که قابل نوشتن باشد ندارد مگر دو جای آن فی الجمله قابل نوشتن است :

یکی بند نیمور است که سد سنگی در رودخانه بسته‌اند . در عهد جمشید می‌گویند بسته شده و تا حال برقرار است . در آنجا سنگ‌ها به کار برده‌اند که همه آن‌ها را مهر کنده‌اند که کسی جای دیگر نبرد . در کنار آن سد و بند شترگلوبی کنده‌اند که به اصطلاح اهل دارالخلافة طهران «منگل» می‌گویند . از آن شترگلو به قدر سی سنگ آب به نهر نیمور می‌رود و هرگز محتاج تنقیه نشده . و از عجایب آن شترگلو این که هر چه در بالای آن به آب بریزند از طرف اسفل قطعه قطعه بیرون می‌آید . کسی ندانسته در آنجا چه صنعت به کار برده‌اند . هر چه خواسته‌اند شترگلو را خالی کنند که سر این کار معلوم شود میسر نشده به جهت آن که از خود شترگلو چشمه آب بیرون می‌آید . و در بالای نیمور چشمه‌ای است که به آبدادی نیمور می‌آید به جهت صرف ریختن . سالی یک مرتبه معر آن آب سنگ می‌شود که قابل تنقیه نیست .

حالت ملك و اراضی نیمور - به قدر سی صد خروار ملك دارد

دانه که تمام آنرا قطعه قطعه به قدر جریب هموار کرده اند . البته به قدر صد هزار تومان خرج هموار کردن آن اراضی شده . ونهری دارد که در وقت حاجت سی آسیا گردان آب از رودخانه برمی دارد . باغات آنها اغلب انگور است و فواکه . و به قدر یک صد خانوار دارد . خالصه دیوان است جزو عراق .

**آب گرم محلات چشمه ای** است در دوفرسخی محلات . در کنار رودخانه واقع است . خاقان خلدآشپان البسه الله حلل النور در سر آن چشمه دودستگاه عمارت ساخته و دوحوض که آب از او بیرون می آید . در حوض اول آن قدر گرم است که کسی تاب نمی آورد پنج دقیقه در آن مکث کند و در حوض دوم اندکی ملایم می شود . در وقت ورود رایحه گوگرد به مشام می رسد . آبش شیرین است . این بنده وقتی در آنجا رفتم يك خانوار به رسم سرایداری در آنجا بود چشم های آنها را مجروح و مأوف دیدم ، گویا از استعمال آن آب باشد . آبش از آن بلندی می آید تا کنار رودخانه ، قلعه و سکنه دارد ، در آنجا زراعت می شود ، در ممر آب آنجا خمیره ای دیدم که به مثل پوست گوسفند از هم جدا نمی شد ، گویا آن هم از تاثیر همان آب باشد . اما زراعتش بد نمی شود . والله العالم .

دیگر از مزارع رودخانه دونه ر است که قلعه ای دارند مسمی به محمد آباد و هر دو از املاک جناب غفران مآب حاجی ملامحمد کاشی است . حاصل شتوی و صیفی خوب می دهد لیکن سکنه و رعیت در آنجا مکث نمی کنند به واسطه آن که مردمش اغلب مبتلای تب و لرز غربی می شوند حتی آن که بعضی از سالها سنگ ها و مرغ ها که در آن آبادی هستند لرزمی کنند و چند ساعت در کنار رودخانه می لرزند ، بعد قدری مبهوت می مانند و راه می افتند . معلوم نیست تأثیر آب و هوای آنها چه قدر موثر تب و لرز می شود .

\* \* \*

این مزارع کنار رودخانه اغلب از چم هایی است که در پیچ و خم رودخانه کنار افتاده و محل زراعت شده ، و بعضی رفته زراعت کرده و قلعه ساخته اند که ذکر آنها موجب تطویل می شود . به این جهت به اختصار کوشیده تا

خوانندگان را ملالی به هم نرسد اگر بخواهند ثانیاً اسامی آنها را، اعلام کنند تا نوشته شود (۱).

### [قمرود]

دیگر از توابع قم قمرود و توابع آنجاست که در میان مشرق و شمال قم واقع است، به مسافت چهار فرسخ تاشهر قم در سر راه طبران است. از قرار تفصیل:

#### قمرود:

قریه‌ای است از قراء قم که چهار فرسخ تاشهر مسافت دارد. اگر چه اهلس اظهار اسلام و اثنی عشری می کنند لیکن در باطن از جمله غالیانند که نسبت ربوبیت به حضرت علی بن ابی طالب می دهند و او را خالق و رازق می دانند یا به واسطه یابی واسطه و نشانه آنها آن است که شارب رامی گذارند تا بلند شود و دهان آنها را پوشد.

قره‌ای به خاطر آمد که از جناب شریعت مآب آقا حسین شنیدم که از مرد نقه‌ای از طلاب عبات عالیات ذکر کرد که از فضلا بود. گفت مادو نفر بودیم که از کربلا مسافرت به طرف ایران کردیم. از جمله طلاب من مذهب تشیع اثنی عشری داشتم و رفیق من مذهب سنت و جماعت داشت. هر دو وارد شدیم در کردند که از توابع کرمانشاهان است و اهالی آنجا به علی الهی شهرت دارند. در آن منزل جشنی و ضیافتی داشتند، به جهت تماشا و جلب نفعی بر آنها وارد شدیم، ما را اکرام کردند و جا دادند، تا آن که نزدیک به صرف غذا شد. رئیس مجلس گفت همه پاک دین و درست عقیده هستید یا خارجی در میان شما هست؟ همه اظهار پاک دینی کردند. گفت اعتقاد شما به امیرالمؤمنین کامل است؟ گفتند بلی. ما هم گفتیم پاک اعتقادیم. رفیق من که سنی بود از راه تقیه اظهار تشیع کرد.

۱- کذا و باید چنین باشد: اگر اسامی آنها را بخواهند اعلام کنند تا ثانیاً نوشته شود.

میر مجلس گفت اسباب امتحان رایاورید . غداره برنده ای آوردند در دست گرفته بهر يك از اهل مجلس گفت اعتقاد صحیح داری، گفت بلی، غداره به گردن اومی زد آسیبی به او نمی رسید . تا به مادو نفر رسید . من که تشیع داشتم مضطرب شدم که غداره برنده به گردن زدن مناسبتی ندارد، از بیم رنگم زرد شد، لاعلاج به این کارتن در دادم و توسل به آن حضرت نمودم . غداره رابه گردن من زد اثر آن ضرب که کاغذی به گردن بخورد بیشتر نکرد .

رفیق من مطمئن شده، در مقام امتحان نشست، غداره که به گردن او خورد سرش از بدن جدا شد و خون ریخت در آن مجلس . نعش او را بیرون کشیدند و پیش کلاب انداختند . بعد از آن سفره ضیافت کشیدند و غذا را صرف نمودند و مرا اکرام کردند . زاد و راحله دادند .

اهالی قمرود را نسبت می دهند که همان مذهب دارند لیکن اظهار نمی کنند . آب و ملک آنها از قنات و رودخانه انار بار . باغات و اشجار ندارد . حاصل شتوی و صیفی آنها در نهایت خوبی بهتر از شهر قم به عمل می آید . خالصه دیوان است . خانوار آنها به قدر يك صد و پنجاه خانه میشود . اکثر آنها قاطرو الاغ مکاری دارند که نصف مالیات آنها از سرانه و مواشی برخاسته می شود و حاصل آنها بد شهر قم و منازل راه دارالخلافة به فروش میرود . صفحه اودو فرسخ در چهار فرسخ است . گرمسیر است .

### قریه دولت آباد :

در صفحه قمرود واقع است در کنار رودخانه، ملکی مغفرت مآب حاجی سید جواد اعلی الله مقامه، الان در تصرف اولاد آن مرحوم است . باغی دارد و زراعتی در نهایت مرغوبی . رعیت آنجا از شهر قم است ، در وقت زراعت در آنجا سکنی دارند و عیال آنها در شهر قم است ، هوایش گرمسیر و آبش از رودخانه و دو قنات . حاصلش بسیار خوب و مرغوب و جو و جوزق و کرچک و خربزه و هندوانه، چنانکه به قدر پانزده روز بیشتر از صیفی قم به دست می آید و خوب به فروش می رود .

**قلعه شریف آباد :**

وقتی سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیها سلام الله است و صرف معاش خدام و روشنایی آن آستان ملائک پاسبان میشود. حاصل آنها مثل دولت آباد است و ملکش مقابل و برابر هم می‌رود و باهم به عمل می‌آید و به فروش می‌رود . بذر آنجا کمتر از دولت آباد کشته میشود .

**قنات قنبر علی :**

از قنات صفحه قمرود است. ملکی جناب امام جمعه حاجی آقا جلال غله خیز و بر ریح، خاصه پنبه کاری او به قدری خوب می‌شود که از قد آدمی بلندتر می‌شود پر بار، هر چه بکارند از صیفی خوب می‌شود. آبش ملوحنی دارد .

**قنات امیر آباد و شریف آباد :**

این دو قنات ملکی جناب مستطاب حاجی میرزا سید حسین متولی باشی است که در صفحه قمرود است. آب قلیلی دارند. ملکش مرغوب و حاصلخیز است؛ طعم ایشان بهتر از قنات قنبر علی است. پنبه کاری آنها خوب میشود .

**قنات شیرین آباد :**

در اسفل صفحه قمرود است. ملکی رعیت قمرود . آبش ملوحت دارد . حاصلش خوب است. سکنه ندارد . رعیت او از سکنه قمرود است.

**کوه سفید :**

دیگر از مزارع قمرود سفید کوه است مشهور به سپهر رستم. در آن کوه دایره ای است به شکل سپر که خط و تر اوسی ذرع میشود «سپهر رستم» می‌گویند (۱).

۱- این شرح در برگ ۲۹ پو ۳۰ ر نسخه اساس، پس از بخش ایلات قم آمده و مربوط به این جاست :

«سپهر رستم واقع در کوه سفید به شکل دایره طبیعی است واقع در شکم کوه که خط و تر او که تقاطع قوسین می‌کند به قدر چهل ذرع می‌شود و به اندازه دودزعی به کوه فرورفته . در میان آن چند گودالی شبیه به قبه سپر نمایان است و این سنگ طبیعی است . به واسطه بزرگی تشیه او به سپهر رستم از قرار تشبیه

کوه سفید آب از رودخانه برمی دارد. غله کاری دارند صیفی کاری ندارند چون آب رودخانه ساوه در آن حدود در تابستانها زیاد شور میشود و گرمای تابستان و پشه در آن بیابان زیاد است، حاصل خود را برمی دارند و به طرف ینلاق میروند. ملکی عرب کلکو می باشد که شتر کلائی دیوانی به دست آنها است. رعیتش از سکنه (۱) که مرتع شتر کلائی است در تابستان توقف در آنجا مشکل است، اعراب کلکو حافظ شتر کلائی دنبال شتر می روند هفته ای یک بار نان به آنها نمی رسد، معاش آنها از شیر شتر است که هم نان آنهاست هم (۱) [در عوض ایشان مردم تنومند و قوی استخوان پر دل، چنانچه در وقت داغ کردن شتر دم شتر را می گیرند و حرکت می دهند و پای خود را جلوی پای شتر می گذارند شتر قوی هیكل به زمین می خورد، روی گردن شتر افتاده داغ می کنند و شتر قوه حرکت ندارد.

\* \* \*

در حدود قمرود در اعلاى ملك بندى از سنگ و ساروج در قدیم بسته اند مشهور به «بند عمر» (۲) که آب رودخانه رابه صفحه قمرود می برده اند به انهار

اقوی به اضعف است مثل تشبیه نور خداوندی به مشکوه و زجاجه. چون رستم زابلی پور زال و نواده سام بود که نسب او به جمشید می رسد از پهلوانان ایران و معاصر کیان سه سالار ایران بود، از سلطنت کیکاووس و کیکاوس و کیخسرو تا سلطنت لهراسب که به حیلۀ شغاد برادر خود هلاک شد. تیر او را به نیزه تشبیه کرده اند. اکثر غزوات ایران و سلاطین کیان با افراسیاب پور پشنگ تورانی به سعی و شجاعت او بوده. در تنومندی نظیر قوم عاد بود. هر شجاعی را تشبیه به رستم میکنند و این دایره را سپهر رستم می گویند. در سمت خط شرقی قم واقع است. تاشهر قم پنج فرسخ است و در وسط او و شهر قم قرية قمرود و شریف آباد و دولت آباد است.

۱- کذا، دو جمله افتاده است.

۲- این شرح در برگ ۳۰ آمده و مربوط به اینجاست:

« بند عمر واقع در رودخانه قم. تاشهر سه فرسخ است. در اسفل شهر



متعدد، والان آن‌سند خراب است. اگر امنای دولت جاوید آیت آن سدرابندند  
 زراعت قمرود خالصه سه برابر می‌شود. الان قمرود نهری دارد که ازسربند تا  
 ملك دوفرسخ مسافت دارد، قمرود و شریف آباد از آن يك نهر مشروب می‌شود.  
 کمال عسرت راهه واسطه کم آبی دارند.

دیگر ازقنوات صفحه قمرود قنات میرزا مهدی مشهور به البرز است که  
 الان ملکی جناب مستطاب متولی باشی است. دزغری رودخانه مقابیل دولت  
 آباد و شریف آباد است. آبش شیرین است. ملکش راشنه باد آورده خراب  
 دارد. چندان حاصلخیز نیست. دسر راه قدیم طهران است. در آنجا کاروانسرا  
 و باغ بزرگی ساخته‌اند و قهوه‌خانه داشت. ازوقتی که راه را ازراه شوسه و علی  
 آباد قرار داده‌اند آن کاروانسرا و قهوه‌خانه متروک و مخروبه مانده است.

### [قنوات]

واژ توابع شهر قم قنوات حدود سراجیه می‌باشد که در میان مشرق و  
 شمال قم واقع است. به قدر چهل رشته قنات است که بعضی سکنه و قلعه دارند،  
 بعضی درقلعه‌جات نزدیک آنجا منزل دارند. حاصل آنها جو و گندم و پنبه کاری  
 زیاد که به طرف فرنگستان می‌برند. خربزه کاری زیاد دارند که در فصل خزان

است دسر اراضی و محل زراعت قمرود خالصه و شریف آباد و قنای دولت آباد  
 در میان دو کوه. عرض او به قدر شش ذرع و طول او صد ذرع و ارتفاع او به  
 قدر هفت ذرع میشود. بانی او معلوم نیست که عمر خلیفه ثانی بود یا کسی که  
 به این اسم موسوم بوده. ازقرار تسمیه معلوم است که درعهد اسلام ساخته شده،  
 و آب رودخانه را بالا آورده‌اند و انهار متعدد داشته که به صفحه قمرود می‌رفته  
 و زراعت کلی می‌شده الان گوشه‌ای از آن برجاست. در آنجا سنگ ساروج  
 بسیار است و به آسانی ساخته می‌شود. نفع آن به دولت البته بعد از ساختن  
 پانصد خروار هر سالی می‌شود. خرج نهر و سد آنجا به قدر دوهزار تومان میشود  
 و خیلی اسباب فراغت رعیت و کثرت زراعت میشود.

خریزه آنجا راه طهران می برند. صفحه این قنوات سه فرسخ در سه فرسخ است. آبهایشان قدری شیرین و قدری شور. آنها که آب شور دارند خریزه آنها شیرین تر، پنبه کاری آنها بهتر می شود. هوایشان گرمسیر است و پشه زیاد دارند. از قرار تفصیل بعد نموده می شود :

### سراجه :

ام القرای این صفحه ازدهات قدیم است. صاحب فرهنگ نوشته در لغت سین مهمله وهای هوز؛ سراجه ازدهات حومه قم است. خریزه آنجا امتیاز دارد در قدیم آبادی داشته به قدر پانصد خانوار، در فتنه محمود افغان غلبه جایی خراب کرده اند. الان به قدر شصت خانوار دارد. آب از قنات شیرین و گوارا از قنات صافی مشهور به «سیاه آب». اهل قم عادت دارند در تابستان می روند به دهنه قنات او، ارتماسی می کنند به این خیال که آبش از برای بثورات سودایی و صفرائی نافع است. حاصل آنجا جو و گندم و پنبه و کرچک و خریزه خوب و مرغوب که اغلب حمل به طهران می شود. در خرابه های قدیم آنجا عقرب بسیار است که هر کس را بگزند اغلب هلاک می شوند.

مخفی نماند که قنوات حدود سراجه همه قدیم بوده، به قدر چهل رشته الان آباد است و باقی مخروبه می باشد. این قنوات در فتنه افغان که در آخر دولت سلاطین [صفویه] در ایران حادث شده اهل قم را قتل عام کردند از بی-صاحبی مخروبه شد. در اواسط دولت خاقان خلدآشیاں فتحعلی شاه در زمان سلطنت محمد شاه غازی و از ابتدای این دولت جاوید آیت که اهل ایران در مهتد امن و امان آسایش دارند این قنوات را جاری ساختند و مالیاتی به آنها بسته اند در جزو جدیدالتسقی، که از قرار تفصیل استعداد بذرکاری آنها معین می شود تا معتبر و غیر معتبر آنها معلوم باشد :

سراجه که ام القری است بذر شتوی آنجا يك صدو بیست خروار است و به قدر شصت خروار زمین زیر صیفی اومی رود .

### [شاه آباد] :

قنات دیگر شاه آباد و جزستان. وقف مقبره میرزا حسن مستوفی الممالک

است. قلعه و سکنه دارد به قدرسی خانوار. به قدر هفتاد خروار بذر آنجا درشتوی می شود و به قدر چهل خروار زمین زیر صیفی کاری آنجا می رود که پنبه کاری و خربزه کاری می کنند:

### قنات نجم آباد :

قنات مختصری [است]. قدری بذرش از آب قنات [کشت] می شود و قدری از آب رودخانه. آبش شیرین است. بذر شتوی آنجا چهل خروار، محل صیفی آنها پانزده خروار.

### قنات حاجی آباد :

در میان رودخانه صیفی آباد. سکنه آنجا از ایلات قم طایفه سعدوند است. آبش شیرین. حاصلش جو و گندم. بذرش به قدر چهل خروار. صیفی کاری او اغلب خربزه و جوزق. چند قطعه باغی دارند مختصر. خانوارش .. (۱)

..... :

.. بذر شتوی آنها شصت خروار. زمین صیفی کاری به قدرسی خروار. اغلب صیفی آنجا پنبه کاری است و بعضی از اراضی خود را به واسطه بی آبی به قنوات همسایه اجاره می دهند.

### قنات زعفرانی :

ملکی اهالی کاشان است. قلعه و سکنه دارد به قدر بیست خانوار. آبش شیرین. غله کاری آنها به قدرسی خروار. صیفی کاری به قدر پانزده خروار. اغلب صیفی آنجا پنبه کاری است.

### قنات مروارید :

برعکس نهند نام زنگی کافورا. آبش شور و مختصر. قلعه دارد و ده خانوار. بذر غله آنها به قدر بیست خروار و صیفی کاری ده خروار. ملک بی محصول دارد که حاصل سه چهار تخم بیشتر نمی شود و خربزه کاری نمی شود. پنبه کاری دارند بهتر از غله می شود.

### قنات دولت آباد :

قلعه وسکنه دارد به قدر چهل خانوار. آبش شور و زیاد که مشروب نمی شود. چاهی دارند که در زمستان از آب رودخانه بر او می بندند و در تابستان بعینه همان آب سرد و گوارا پس میدهد، شرب آنها از آن چاه است. غله خوب در آنجا به عمل نمی آید مگر به قدر نان و بذر خودشان و کاه خران. جو زق آنها در نهایت امتیاز است که از دهات دیگر [بهتر] به عمل می آید. بذر او نود خروار. محل صیفی او به قدر چهل خروار است.

### قنات حسین آباد :

در آخر قنات است، آبش شور و اراضی آن کویسر. غله کمی دارد. پنبه کاری او خوب می شود. قلعه و ده خانوار سکنه دارد.

### قنات علی آباد :

وقتی سرکار فیض آثار حضرت معصومه سلام الله علیها. آبش شیرین. اراضی او حاصلخیز. رعیت آنجا به قدر ده خانوار. بذر آنجا به قدر بیست و پنج خروار. محل صیفی آنجا به قدر ده خروار. قلیلی خریزه و باقی را پنبه کاری می کنند. رعیت آنجا در سراج مسکن دارند و قناتشان از آبادی سراج می گذرد.

### قنات رستم آباد :

ملکی ورثه جناب غفران مآب حاجی سید جواد رحمه الله تعالی واعلی الله مقامه. آبش از قنات و شیرین و گوارا. رعیتش به قدر سی خانوار. حاصلش از شتوی جو و گندم و صیفی کاری خریزه و پنبه کاری. بذر آنجا از شتوی به قدر شصت خروار. اراضی صیفی کاری به قدر سی خروار. ممر قناتش از آبادی سراج می گذرد و حاصلش در بی آفتی به قدرشش تخم عاید می شود.

### قنات مبارک آباد :

اقرب قنات سراج به قدم. ملکی ورثه محمد حسین خان خلیج. آبش شیرین و گوارا. قلعه و عمارت خوبی دارد که حاجی آقاخان مرحوم بنا کرده،

مرگه امان نداد که تمام کند . باغ مشجر خوبی دارد که میوه آن انار و انجیر و کمی فواکه می باشد . سکنه آنجا به قدر چهل خانوار . زراعتش از شتوی گندم و جو . صیفی کاری خریزه کاری و پنبه دارند . چندسال است به واسطه آفت «گل عمر» خریزه کاری را موقوف کرده اند .

چون ذکر «گل عمر» شد لازم است حالت آن گل نموده شود: گلی است ساقه آن به قدر قلمی می شود . دسته بیرون می آید گل زرد و آبی دارد ، نه تخم دارد ندریشه او در اراضی پیدا می شود . هر گاه زمین را غله کنند یا جوزق و کرچک بیرون نمی آید . هر گاه خریزه و هندوانه و تنباکو و کرچک و کنبه شود بیرون می آید . به محض بروز بته آن محصول خشک می شود و از حاصل و بار دادن باز می ماند .

بذر شتوی آنجا نود خروار و محل صیفی به قدر چهل خروار است .

### قنات فرج آباد :

ملکی جناب شیخ الاسلام و اخوان که دو دانگ آن وقف روضه خوانی جناب خامس آل عبا است . قلعه و سکنه دارد به قدر پانزده خانوار . آبش پر شور نیست و شیرین خالص هم نیست . باغ ندارد . حاصلش گندم و جو . صیفی خریزه و پنبه و کرچک . بذر شتوی چهل خروار . محل صیفی کاری به قدر بیست خروار . حاصل خوب می دهد . اکثر سالها قناتش خراب می شود .

### قنات مؤمن آباد :

در محاذی سراجه اتفاق افتاده ، قناتش هم برابر هم بالا می رود لیکن سراجه آبش شورتر است . سکنه او به قدر صد خانوار می شود . باغی دارد به قدر بیست و پنج خروار زمین داخل محوطه باغ است به قدر ربع او مشجر انار و انجیر است . بذرش یک صد خروار . اراضی صیفی کاری او به قدر پنجاه خروار می شود . حاصلش گندم و جو ، خریزه و جوزق و کنبه دارد .

### قنات عباس آباد :

قلعه و سکنه ندارد . آبش شور است . حاصلش جو و گندم . بذرش به

قدر سی خروار. اراضی صیفی او به قدر ده خروار. باغات و سکنه ندارد. رعیتش از سکنه مؤمن آباد است.

### قنات حسن آباد :

ملکی اولاد ملا عبدالله عرب. آبش نزدیک به شیرینی. قلعه و سکنه دارد به قدر بیست خانوار. دوسه قطعه باغ خوب دارد. حاصل آنجا گندم و جو و جوزق و کرچک و خربزه کاری و کنجد دارد. ربع این قنات وقف مقبره مرحوم ملا عبدالله و روضه خوانی است. به قدر چهل خروار بذر غله آنجاست و به قدر بیست خروار محل صیفی آنجاست.

در آنجا و مؤمن آباد تریاک کاری دارند خوب به عمل می آید.

### قنات هاشم آباد و کویر آباد و صید آباد :

این سه قنات ملکی اولاد ملا عبدالله عرب است. یک قلعه دارند به قدر سی خانوار سکنه دارد. آبشان شور است. پنبه کاری و غله کاری دارند. غله آنجا خوب نمی شود اما جوزق و خربزه آنجا خوب می شود. اراضی او کویر است. باغات ندارد.

### قنات حاجی آباد :

جناب مستطاب متولی باشی. در اسفل املاک شهرستان و براوستان واقع است. قنات جدیدی است آبش گوارا و شیرین. قلعه خوب و عمارت مرغوب در آنجا ساخته اند خاصه آب انبار بزرگی در آنجا ساخته، چون در سر راه کاشان است عابرین سیل در آنجا منزل می کنند. چون اراضی آنجا تازه به زراعت آورده اند از جالت کویری بیرون نیامده، امید است مرغوب شود. بذر غله آنجا شصت خروار و محل صیفی کاری او به قدر بیست خروار است.

### قنات احوص آباد :

در وسط قنات است. آبش شیرین است. قلعه و سکنه دارد به قدر بیست خانوار. حاصلش گندم و جو. صیفی کاری جوزق و کرچک و خربزه و کنجد بذر شتوی آن به قدر پنجاه خروار، محل صیفی کاری او به قدر بیست خروار

می‌شود. اراضی مرغوب دارد ازشتوی و صیفی و محل قنات خیلی تعریف دارد.

### قنات بطلی جرد :

وقفی سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیها سلام الله . وقف خدام والامقام ومداخلش در جزو موقوفه قسمت می‌شود. آبش شیرین و گواراست . به قدرده خانوار سکنه دارد. حاصلش گندم و جو ؛ صیفی کاری جوزق و کرچک و خریزه . بذرش درشتوی سی خروار و محل صیفی دوازده خروار .

### قنات حسین آباد :

آب مختصری دارد. کمی غله و کمی صیفی در آنجا می‌کارند . دوسه نفر رعیت دارد که سکنه احوص آباد هستند .

### قنات رضا آباد :

قنات مختصری است. قلمه و آب شوری دارد. پنج شش خروار غله و دوسه خروار زمین جوزق می‌کارند .

### قنات گول کوه :

آب شوری دارد . به قدر پانزده خروار غله دراو کشته می‌شود و قدری آبش به مؤمن آباد می‌رود . سکنه ندارد، رعیت او در مؤمن آباد است .

### قنات خلیج آباد :

آب زیاد شور دارد که غله از او به عمل نمی‌آید و صیفی کاری نمی‌شود. آسیایی دارد که سالی دو بیست تومان به اجاره می‌رود . آبش می‌رود به اراضی کادوس ها که در آنجا قدری یونجه (۱) می‌کارند .

### قنات نواران :

جناب مستطاب متولی باشی . آبش زیاد . قدری شوری دارد . سکنه او به قدر پنجاه خانوار از ایلات سعدوند . زراعتش گندم و جو . صیفی او پنبه کاری و خریزه و کرچک . کتجدکاری زیاد دراو می‌شود . بذرش به قدر هشتاد

خروار . به‌قدرچهل خروار اراضی دراو صیفی کاری می‌شود . عمارت نوساز  
وقلمه خوب دارد .

### قنات کریم آباد :

ملکی اولاد حاجی حسین . زراعتش جو و گندم . صیفی خریزه و پنبه و  
کرچک و کنبج . قلمه خوب دارد و به‌قدر پانزده خانوار سکنه دارد . آبش  
شیرین . بذرش به‌قدر شصت خروار . محل صیفی به‌قدر بیست خروار .

### قنات فتح آباد :

ملکی جناب مستطاب متولی باشی و نصرالله‌خان . آبش شیرین . قلعه و  
سکنه‌دارد به‌قدر بیست خانوار . زراعتش جو و گندم . صیفی اوجوزق و کرچک  
و خریزه کاری . به‌قدر پنجاه خروار بذرغله و بیست خروار محل صیفی کاری‌دارد .

### قنات جعفر آباد :

مخروبه . اراضی اورا از آب دنباله شمس آباد و حاجی آباد قدری غله  
می‌کارند . صیفی ندارد .

### قنات حصارشنه :

ملکی اولاد مرحوم حاجی علی قلی بیگ . آب شیرین گوارا دارد . قلعه  
و به‌قدر بیست خانوار سکنه عرب خراسانی در آنجا منزل دارند که شتر دارند .  
بذر آنجا . . . . . (۱) از بادهای عواصف است که رشته  
قنات آنها را انباشته می‌کند و غله و صیفی آنجا را فرو می‌گیرد . باید در گاه‌ها  
تماماً گرفته باشد و دور زراعت آنجا را گاو بزنند و نه‌ر بکنند که شنه در آنجا  
جمع شود و ضرر کلی به‌زراعت وارد نیاید . سالی مبالغی صرف رفع این کار  
می‌شود باوجود این ضرر کلی وارد می‌آید .

### قنات گرم آباد :

آبش شیرین و گوارا . قلعه و به‌قدر بیست خانوار سکنه‌دارد . غله او خوب  
می‌شود و جوزق کاری خوب دارد . بذر آنجا به‌قدر چهل خروار ، محل صیفی بیست



خروار. حالت شنه و باداو مثل ضرر حصار شنه می باشد .

### قنات جنت آباد :

از حالت شنه و باد بدتر از حصار شنه و کرم آباد است. قلعه و خانه در آنجا ساخته اند ، باد شنه آورده دیوارهای قلعه را فرو گرفته و خانه ها را پر کرده، سکنه آنجا به کرم آباد رفته اند . آبش شیرین و گوارا، در سر راه کاشان به کار قافله خیلی می آید. زراعتش از غله به قدریست خروار جو و گندم. صیفی پنبه کاری دارند. به قدره خروار محل صیفی آنجاست .

### قنات های قاسم آباد :

یکی قاسم آباد و دیگری زالون آباد . در چهار فرسخی شهر قسم طرف شرقی. در قدیم قریه بزرگی بوده، الان قلعه دارد و چند خانوار رعیت. آبش شیرین و گوارا. زراعتش جو و گندم و پنبه کاری. در سالهای پر بارشی اراضی او آب بالا می دهد و زراعتش فاسدمی شود.

شدت بارش و ریگ روان به قدری است که بسیار شده مردم را هلاک کرده. این بنده وقتی بادونفر به بر آورد به قیمت کردن آن آب و منک رفتیم به قدریست روز به عید مانده. چهار ساعت به غروب مانده در بین راه باد حرکت کرد و جاده را مسدود کرد. چشم رانمی شد باز کنیم که راه را بدانیم. در یابان حیران ماندیم و هواسرد شد، مثل شب تاریک شد. مالهای سواری از حرکت ماند. کلمه شهادت گفتیم و دل از زندگی کشیدیم که از ترحم خداوندی به قدر چهار دقیقه باد آرام گرفت. قلعه ای به نظر آمد، اسب انداز رفتیم به قلعه رسیدیم سکنه نداشت ، معلوم شد قلعه جنت آباد بود . طویله و پناهی داشت، در آنجا به سر بردیم تا آمدند و ما را به کرم آباد بردند و ضیافت کردند . شکر نعمت بناها را به جا آوردیم که صنعت بنایی دارند. روز دیگر که به قاسم آباد رفتیم غله آنها تماماً زیر ریگ روان رفته بود به این جهت مشتری را از خریداری آنجا منع کردم .

در یابان آنجا علف قلیاب بسیار است و مرتع قشلاق عرب میش مست می باشد که مالیات به قوم می دهند. در زمستان در آن حدود سکنی دارند، ایل معتبری هستند.

## قنات شمس آباد :

خالصه دیوان. در حد غربی (۱) قم واقع است و از رودخانه هم به قدر گنجایش نهر آب برمی دارد و چهار آسیای دیوانی را گردش می دهد. ناسر ملک و زراعت چهار فرسخ می رود و بعد دو فرسخ هم مسافت زراعتش می شود. از قلعه اوتاشهر قم دو فرسخ است. پنجاه نفر عملة زراعت دارد. دوهزار و پانصد تومان مالیات دیوانی و یک صد و پنجاه تومان ربيع طواحين سادات اخوی طهران و یک صد و پنجاه تومان مالیات جزو مزارع و مواشی و به قدر پانصد تومان نسق زراعت و دو بیست و پنجاه خروار بذکره تماماً را بعد از وضع ربع حق رعیت باید حاکم بلد بدهد. اگر پنج هزار تومان نقد و دو بیست و پنجاه خروار غله و سیصد خروار کاه عمل کند از عهده مالیات برمی آید .

با وجود آن عمارات سکنه رعیت قلعه او خراب شده، رعیت نباید از شهر روزی دو فرسخ برود و شام برگردد و در آنجا کار هم بکند، رعیتش به این واسطه در نهایت عسرت است، این تفصیل را دادم شاید امنای دولت [ترتیبی دهند که رعیت] آسوده شود .

محل گاو و گاو و بز در قلعه شمس آباد است و مهتر گاو در آنجا سکنی دارند. به این واسطه بعد مسافت رعیت باید به حکم حکومت در آنجا بروند و الا به اختیار نمی روند . حاصلش گندم و جو و کزچک و خربزه و غیره می باشد . خربزه او خوب می شود چنان که در حکومت و مالکیت عبدالله خان امین الدوله در آنجا مهمان شد آب خربزه لطیف را که سفید رنگ است و آن چه یدمشک دارد عوض شربت قند صاف کرده در مجلس آوردند و اهل مجلس تمیز ندادند که آب خربزه یا شربت قند است .

خربزه [او] نوعی از خربزه قم است که رنگ پوست او زرد دارد است رنگ مغز او سفید و معطر، آن قدر نازک است که هر گاه سواری در شب از کنار او بگذرد اغلب می شکافد و در وقت بریدن خربزه به محض آن که چاقو بسرا برسد چند

پاره می شود و اگر مغز او را بفشارند يك من خربزه دوسیر سفلی باقی نمی ماند، و او را باید در ولایت صرف کرده بلاد خارج نمی رسد مگر آن که در صندوقی بگذارند، و انباری نمی شود در تابستان و اوایل خزان باید صرف کرد. این نوع خربزه رادر قم کم می کارند به جهت آن که اول که از بته زایش می کند به قدر تله (۱) خرمایی می شود، از بیس که لطیف است مگسی هست که در او نشسته و نیش می زند و جای نیش او گرمی می شود به قدر نخ ابریشمی، بعد بزرگ می شود و خربزه را فاسد می کند. باید به عسرت گل او را در زیر برگ نگاه دارند و بعد خاک خشک بر روی او بریزند تا از آفت مگس مصون بماند. بهترین میوه های عالم است.

در میان میوه های خوش مزه شاه انگور است و سلطان خربزه!

### قریه نصرت آباد :

احدائی میرزا نصرالله اردبیلی که صدر الممالک ایران بود در دولت محمد شاه غازی البسه الله حلل الرحمة والمغفرة، در غربی قم واقع است در سر راه ساوه. قنات پر آبی دارد مایل به شوری، و قدری از آب رودخانه دارد که داخل آب قناتش می شود. قلعه ای دارد دو بیست ذرع در دو بیست و پنجاه ذرع. به قدر يك صد و هشتاد خروار بذرغله در او کشته می شود و به این اندازه صیفی کاری دارد از جوزق و و کرچک و خربزه و هندوانه. به قدر پنجاه نفر رعیت دارد. در زمستان ایل زندگی چند طایفه آنها در آن قلعه قشلاق و سکنی دارند. تیول اولاد صدر الممالک است عوض مواجب دیوانی آنها. نا شهر قم يك فرسخ است.

\* \* \*

### [قنات ناصری :]

دیگر از قنات قم قنات مبارکه ناصریه است که وقف شهر است. در اول کتابچه اشاره به او شد. مشروحاً آن که در سی سال قبل که سنه هزار و دو بیست و هفتاد و پنج هجری بود موبک همایون شاهنشاهی تشریف فرمای دارالایمان قم شدند

اهالی از بی‌آبی شکایت کرده، استدعای آب نمودند. رأفت و رحمت ملوکانه شامل حال آنها شده، ازوجه حلالی سه هزار تومان مرحمت شده حاکم ولایت که در آن سال میرزا حسن خان مستوفی گرگانی بود، و حاکم مذکور اتمام این خدمت را در عهدۀ این بنده درگاه جهان‌پناه نهاده از میان بخت همایون و دولت روزافزون به اندک زمانی غیرت و دودنیل و چشمه سلسیل گردید. به قدر سه سنگ آب جاری شد که داخل شهر می‌شود و به بیوتات و باغچه‌خانه‌ها گردش می‌کند. از این موهبت عظمی شهر دو برابر آبادان و باغچه‌خانه‌ها مشجر گردیده و به قدر هزار و پانصد خانه بر شهر افزوده [شد]. و از دیوان اعلی همه ساله یک صد و پنجاه تومان به جهت تنقیه او برقرار بود که خرج قنات تحمیل بر رعیت نشود تا آن که در سنۀ ماضیه به جهت مفسده مفسدین قطع فرمودند. در هذمه السنه که تشریف فرمای شهر قم شدند به خواهش علماء و نیکی فطرت جناب مستطاب آقای امین السلطان دام‌اقباله العالی و اهتمام جناب جلالت مآب آقای اعضاض الدوله دام‌اجلاله یک صد تومان آنرا برقرار فرمودند. خیلی باعث امتنان کافر رعیت شده. خداوند این دولت روزافزون را تا قیام قیامت باقی بدارد که اهل ایران در مهد امن و امان در ظل حمایت این دولت قوی شوکت زندگانی کنند و به دعاگویی ذات نجسته صفات اقدس شهر یاری روح العالمین فداه لیل و نهاراً اقدام نمایند.

بالتی و آله الکرام .

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## [ایلات قم]

در قرة ایلات واحشام قم که سکنه حدود قم هفت طایفه ایل دارد (۱) که در اطراف قم قشلاق دارند و مالیات می دهند . شرح احوال آنها این است که طایفه زندیه که از اقربای کریم خان زند بودند در عهد خاقان شهید آقا محمد خان بزرگان آنها را که اقربای کریم خان زند بودند مکفوف البصر نموده ، وظیفه و خانواری برای آنها برقرار نموده و در قم سکنی دادند . طایفه آنها موافقت کرده ، در این حدود منزل گرفتند و جمع و خرجی نداشتند و سایر طوایف را در عهد خاقان شهید از فارس آوردند مردمان قنبر بی بضاعتی بودند ، در شهر قم مشغول نوکری اهل ولایت شدند و عمل یدی . بعد از چندی که استرار یافتند به عادت جبلی هر یک حشم و گوسفندی خریدند و به نوکری مشغول بودند تا مایه ید اکردند ، خود را بسته به علمای ولایت کردند و بنای فتنه انگیزی کرده ، در میان علمای بلد فتنه کردند و احداث شرارت کردند تا آن که چند نفس مقتول شد . به حکم خاقان خلد آشیان فتح ملی شاه علماء و اتباع آنها را به طهران بردند و چندی به حبس نظر نگاه داشته ، مالش دادند و بعد از توسط شغاه مرخص نموده ، ایلات را بانصد تومان جریمه کردند که گوشمال آنها باشد . در سال های بعد حکام ولایت این قرة را معمول ولایت قرارداد ، از آنها می گرفتند . مستوفیان عظام که خیر دار شدند آن وجه را جزو مالیات کردند . بعد چندی دویست و پنجاه تومان او را تخفیف گرفتند . بعد به واسطه فروعات و خرج سر یاز مالیات آنها به هفت صد تومان رسید . در ممیزی ده سال قبل که مقرب الخاقان میرزا حبیب الله تعدیل مالیات نموده یک هزار و یک صد و بیست تومان بر آنها مالیات

وارد آورد که حال از آنها می گیرند .

این طوایف بعضی صحرانشین و بدوی هستند و بعضی در شهر سکنی دارند . در حوالی شهر مرتع دارند . اغلب آنها در شهر نوکری و در دستگاه حکومت فراشی دارند . بعضی هم به ملک داری مداخله کرده اند تا بعد تفصیل آنها نوشته شود .

### طایفه گائینی :

از طوایف ایلات قم . بعضی در شهر منزل دارند بعضی در شمال قم در حدود رودخانه مرتع دارند و صاحب ملک هم در آن حدود هستند . مردمان عاقل و صلاح پیشه . سابقاً شترباری دیوان سپرده آنها بود و حال رعیت پیشه هستند . حشم گوسفند و شتر و مادیان و ثروت دارند . خانوار آنها به قدر شصت خانه و عدد نفوس صغیر و کبیر آنها پانصد نفر می رسد .

### طایفه کلهر :

از سکنه شهرند و در حوالی شهر مرتع دارند در طرف شرقی . مردمان آنها اکثر نوکر اهل شهر و فراش حکومت . حشم چندانی ندارند . شرارت پیشه . خانوار آنها به قدر چهل خانه . عدد نفوس آنها به دو بیست نفر می رسد که همه در شهرند . قلیلی کاسبی دارند .

### طایفه عبدالملکی :

از سکنه شهرند . مرتع در هموار و نارچ دارند . شغل آنها نوکری اهل شهر ، فراشی حکومت . گوسفند و شتر دارند . ملک و کسبی ندارند . به قدر سی خانوار . شماره آنها دو بیست نفر می شود .

### طایفه گرزده بر :

از سکنه شهرند . اکثر آنها صاحب مکت و ثروت . سمت حشم داری و بیابان نشینی ندارند . در حدود جعفر آباد ملک دارند و بعضی کاسبی دارند . خوش حالتند .

## طایفه لثنی :

قلیل العدد وقلیل البضاعه . در شهر سکنی دارند . بعضی نوکری و بعضی کاسی . حشمی ندارند و مالیات ایلاتی می دهند . اکثر اوقات مالیات را از زنهای آنها می گیرند که مردی ندارند . چندسالی به توسط این بنده حاکم مالیات آنها را تخفیف می داد . به قدر ده خانوارند .

## طایفه سعدوند :

نسبت به طوایف دیگر کثیر العدد و کثیر البضاعه . حشم دارند و اغلب شتر دارند . اکثر آنها رعیت پیشه صحراکار ، خریزه کاری پنبه کاری خوب می کنند . مرتع آنها قنوات شرقی و شمس آباد خالصه که به طریقه اجاره در آنجا تعلیف می کنند . ملکی هم دارند . سران سالخورده چند نفر دارند که از صد متجاوزند از آن جمله مرادخان که الان خیلی از صد گذشته ، معروف ذات اقدس ، به جهت کثرت عمر انعام و اکرام دیوانی به او می شود .

\* \* \*

طایفه ای هم هستند که «خلج شادقلی» مشهورند . در سابق از تعدی محمد حسین خان خلج به قم آمدند و در شادقلی که از مزارع قم است منزل گرفتند . تعارفی از روغن به حکومت دادند مستمر شد ، حال مالیات می دهند . خانوار آنها به چهل خانه می رسد . این تفصیل ایلات ولایت بود .

شعبه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## بقاع مقدسه و اماکن مشرفه

### دارالایمان قم

بقاع مقدسه و اماکن مشرفه دارالایمان قم بسیار است که مراد و مضاجع اولاد امجاد ائمه اطهار است که عند آنها به چهار صد و چهل می رسد بعضی دایر و مشهور و بعضی خراب و مفقود الاثر است .

سبب اجتماع آنها در قم آن بوده که بعد از رحلت پیغمبر آخر الزمان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در امر خلافت و وصایت آن جناب اختلاف و نزاع شد . بعضی به واسطه نص جلی و کتاب آسمانی جناب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را وصی بلا فصل دانستند و اولاد اطهار او را تا دوازده نفر نسل بعد نسل به عدد اسباط بنی اسرائیل و حواریین - عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام - امام و حجت خداوند و مفترض الطاعه می دانند و جمعی از اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله اجماع امت و صحابه را حجت دانسته، ابا بکر را خلیفه نموده و بعد از آن عمر و بعد از آن عثمان را امام قرار داده اند و بعد از قتل عثمان علی بن ابی طالب را امام می دانند و خلافت را به این چهار نفر منتهی ساخته اند . تا آن که در خلافت علی بن ابی طالب، معاویه بن ابی سفیان که والی شامات بود سر از اطاعت و بیعت علی بن ابی طالب علیه السلام پیچیده، کار به مشاجره و مقاتله کشید چنان که در کتاب های تاریخ اصحاب مشهور و متواتر است، بعد از شهادت علی بن ابی طالب امر خلافت و سلطنت اسلام بر معاویه قرار گرفت و بعد از معاویه بر یزید پسرا و بعد از یزید بر مروان حکم بیعت کردند و بعد از او بر اولاد مروان . تا نود سال سلطنت شامات و حجاز و مصر و یمن و عراق عرب و عجم و بلاد ایران



با اولاد مروان بود که آنها را خلفای بنی امیه و بنی مروان می گویند. با اولاد علی بن ابی طالب معاندت می ورزیدند.

در سلطنت عبدالملک مروان، عبدالرحمن بن محمد اشعث کندی یاغی شده و بعد چندی مقتول گردید. قبیله اشعری در عراق عجم در قم متوطن شدند و تا آخر دولت بنی عباس به مدت پانصد و ده سال در قم صاحب اقتدار و عدو عدت بودند و اظهار اخلاص و ارادت به اولاد علی بن ابی طالب می نمودند و مذهب اثنی عشری داشتند. در این امتداد زمان محل امن و امان ذریه رسول الله در قم بود به سبب حمایت اعراب اشعری. در هر زمان از ترس خلفای جور به شهر قم می آمدند و در جوار و جوار اعراب اشعری آسوده بودند و بعد از اجل موعود در این ارض مقدس مدفون شده، در مرقد آنها بقاع عالیه بنا می نمودند و از برکات باطن آن بزرگان استشفاع و حاجات خود را از خداوند مسألت می نمودند و به اجابت مقرون می گردید.



از آن جمله خواهر والا گهر حضرت امام رضا علیه و علی آباؤه افضل التحیه و الثنا بنت حضرت امام موسی که هفتمین و هشتمین ائمه اثنی عشرند صلباً و بطناً با حضرت رضا خواهر. در زمان توقف حضرت رضا در ارض اقدس طوس که ولایت عهد عبدالله مأمون الرشید از خلفای بنی عباس مفوض به آن جناب بود فاطمه خواهر حضرت از مدینه طیبه به عزم زیارت برادر مهاجرت نموده، از راه همدان به ساوه نزول فرمودند و تکسری به مزاج شریفشان وارد آمده. اهالی قم به تشیع مشهور و سواد اعظم عراق بود، به جهت معالجه عزیمت قم فرمودند و اعراب اشعری که از مخلصان این خاندان بودند قدوم فاطمه را مغتنم شمرده، شرط استقبال و اعزاز و اکرام را به عمل آورده، در محله میدان میر که خانه موسی اشعری بود نزول اجلال فرمودند و بعد از چند روزی مرض اشتداد یافته، به رحمت ایزدی پیوستند. موسی بن خزرج یاغی داشت در کنار رودخانه مشهور به باغ بابلان، مدفن فاطمه مرضیه را در آنجا قرار داده و باغ را وقف مزار مسلمین نمود. در وقت دفن متحیر بودند که

جسد مطهر را که به قبر بگذارد که دو سوار نقابدار رسیدند و آن امانت خداوند را به خاک سپرده مراجعت نمودند .

چند نفر از سادات علوی اناثاً ذکر آورده اند در آن بقعه مدفونند که مرقد ظاهری ندارند . اهالی قم قبه و صحنی در آنجا برپا نموده، خادم و محافظ قرار دادند و اطراف روضه مقدس را مزار اموات خود نمودند تا در عهد سلطنت امیر تیمور گورکانی یکی از بنات سلطنت بر عمارت و اعزاز آنجا افزوده ، خادم و محافظ آنجا را وظیفه و مرسوم داد تا آن که در سلطنت سلاطین صفویه که خود از این سلسله جلیله بودند گنبد و بارگاه آنجا را مرتفع ساخته و گنبد مقصوره و ازاره و بدنه ایوان را با روضه مبارکه کاشی معرق نمودند که در آن روزگار زرعی بیست و پنج تومان می گویند ساخته می شد و کاشی او را به چینی ترجیح می دادند. و محافظ و خادم و زواریان روضه را مهمانی کرده، مخارج می دادند و سلاطین خود را در حوالی آن بقعه پناه می دادند .

فرش های قالی از ابریشم خالص سراب در آنجا انداخته اند که الان که به قدر سی صد سال است آن فرش ها ممتازند. در ایران و توران نه در مملکت آسیا [نهدر] اروپا مثل آنها ندیده اند و قرآن های مذهب به خط خوش نویسان، خط باقوت و آقا ابراهیم و سایر خوش نویسان در آنجا وقف تلاوت ایام نموده اند. قنادیل از ذهب و فضة و جواهر آبدار هر يك به قدر قوه و اخلاص نصب نموده ، زینت داده اند . تا آن که سلطنت و فرمانروایی ایران زیب و زینت گرفت به تاج و تخت سلسله قاجار. در ابتدای سلطنت خاقان خلد آشیان فتح علی شاه همت ملوکانه صرف آبادی این بقعه نموده، گنبد کاشی را طلاء و زرا ندود نموده و صحن و سرا و مدرسه و دارالشفاء وسیع ساخت و گلدهسته مذهب، و مبلغ پانصد تومان نقد و پانصد خروار جنس مستوری بر ساکنان آن مکان شریف مستمر و برقرار فرمود و يك صد خروار غله اضافه بر آنها مدد معاش خادم مرحمت فرمود تا آن که مخارج بنایی و طلاکاری به دو بیست هزار مثقال طلا رسید سوای انعامات و مواجب و مرسوم . و در این دولت روز افزون ایوان را حیب الامر الإقدس طلاء نمودند و اصل

بقعه را آینه کاری کردند و جوارو چهل چراغ متعدد وقف فرمودند و مخارج از برای مضاجع سلاطین از خدام و حفاظ و متولی و قهوه و غلیان مقرر فرمودند. و در این اوان کارگزاران جناب مستطاب اجل اکرم انجم اعظم آقای امین السلطان وزیر اعظم ادام الله اقباله العالی در شرقی بقعه صحن دلگشا مشتمل بر حجرات و چهار ایوان و چهار گلدسته و ایوانها و گلدسته های آینه کاری که از حیثیت صفا زاید الوصف ممتاز و باشکوه ، آینه کاری با ستون های سنگ که نشان از ارم ذات العباد می دهد . الحق لایق است که بگویند «لم یخلق مثلها فی البلاد» .

اینها هم مزینت و رفعت ظاهری است. اما کرامات و خوارق عادات این بقعه شریف لاتعدو لاتحصی است در استجاب دعا و شفای بیماران و روشنی چشم کوران. گویا روح پر فتوح عیسی بن مریم در آنجا ساکن است که اکمه و ابرص راشفا می دهد. غیر مرده زنده کردن همه کرامات از آنجا چه دیده ام چه شنیده ام. و صحن مقدس محل امن و امان حسب الامر الاقدس شاهنشاهی نظیر «ومن دخله کان آمناً». و هر که خلاف احترام کرده به زودی قاعاً صغفاً شده و از ریشه کنده شده. زیاده از این چه نوشته شود .

\*

دیگر از بقاع متبرکه که صحن و ضریح مقدس علی بن جعفر و محمد بن موسی است که در خارج شهر واقع است. بقعه و ضریح مقدس راکاشی زراقشان کرده اند که قیمت آن از خشت مذهب خیلی زیادتر است. آنچه از تاریخ خشت ها معلوم می شود در سنه شش صد و شصت و شش هجری ساخته شده. چون در اخبار ائمه ما حدیثی هست که از هشت در بهشت یکی از قم باز می شود در میان روضه صورت درگاه و جفت در کاشی ساخته اند که گویا در بسته ای است از کاشی زرافشان که یکنه اگر مسبوق نباشد نمی داند درگاه است یا صورت [آن]. کاشی آن درگاه نوعی صفا دارد که ده برابر چینی فنفوری بهتر و باصفا تر است. مرقد مطهر و واژه از آن نوع کاشی کاری است .

احادیث بسیار در جلالت قدر آن دو بزرگوار ائمه اطهار رسیده. محل

زیارت اهل اسلام است از خاص و عام. بقعه و گنبد و بارگاه آنجا کاشی فیروزه. از قرار معلوم در عهد سلطنت سلاطین چنگیز خانی ساخته شده است.

\*

دیگراز مشاهد شریفه شاه ابراهیم است که از نواده‌های امام ضامن امام موسی کاظم است. بقعه و گنبد و بارگاهی دارد. محل فیض است.

\*

دیگراز مشاهد شریفه مرقد مطهر شاه حمزه وزید است که در وسط شهر است. از اولاد امجاد امام موسی کاظم علیه السلام. چون در قواعد شریعت بیضای اسلام مقرر این است که در دعاوی مردم اولاً بعد از انکار مدعی علیه از مدعی شاهد عادل می‌طلبند و شاهد باید دو نفر باشد از مردمان با معنی اهل اسلام که دروغ گو و حرام خور و ظالم و هتاک و اهل معصیت نباشد که او امر خداوندی را واگذار کند و مناهی الهی را مرتکب شود. از این مردم شهادت را قبول می‌کنند و قول هرزه و مفسد و کذاب را اعتبار ندارند. هرگاه چنین شاهدی نباشد موافق شریعت منکر را به اسماء جلاله و کتاب منزل از اسماء قسم می‌دهند در برائت ذمه او، و او را همامی کنند. در شهر قم متداول است که این قسم را در روضه مبارکه شاه حمزه می‌دهند. هرگاه کسی قسم دروغ یاد کند بلاشک و بلافاصله به بلیه‌ای گرفتار می‌شود که اسهل آنها موت است.

مرقد شریفش محل زیارت خاص و عام. نذورات مردم اغلب به آن بقعه می‌رود و صرف روشنایی و خدام می‌شود. هر کس را بگویند «به‌شاه حمزه قسم بخور» گویا او را بدر مرگ می‌کشند. اهل قم از تجربه بسیار چنین دانسته‌اند که قسم دروغ در آنجا نمی‌شود یاد کرد خواه مرد عادل باشد یا فاسق و فاجر، فرقی ندارد.

\*

دیگراز مشاهد متبرکه که شاه ظهیر است که بقعه و بارگاهی دارد. در حوالی شاه حمزه واقع است. ویکی از مشاهد شهر مرقد سلطان شریف است. ویکی

بقعه و صحن احمد بن قاسم که از اولاد حضرت سید سجاد بوده، مرد اعمی و مستجاب الدعوه بوده. یکی از بقاع متبرکه شهر بقعه موسویان است که مشهور به چهل دختران است از اولاد حضرت جواد و موسی مبرقع در آنجا مدفونند با قبور متعدده. یکی مرقد مطهر سید سر بخش است که در ایام خود موجود مفرط داشته شهرت به سر بخش کرده، بقعه و صحنی دارد. یکی بقعه امامزاده زید است که در جنب بقعه موسویان است.

\*

اما بقاع بیرون شهر [که] در حومه شهر واقعند بسیار است بعضی معلوم و معروف، بعضی مستور و مفقود. از آن جمله بقعه طیب و طاهر از امام زادگان جلیل القدر مشهور در همه بلاد حتی در حجاز. و یکی امامزاده احمد مدفون در خاک فرج که به کثرت استجاب دعا مرقد مطهر او را خاک فرج می نامند. دیگر دو امامزاده احمد و عبدالله در اسفل شهر مدفون هستند، صحن و قبه و بارگاه دارند که مشهور به امامزاده ملا آقا بایا و جای باصفا و زهت گاه است.

و از آن بقاع خارج شهر چند بقعه هست که قبو بارگاه دارند صحن و سرا ندارند مثل شاه ابراهیم و شاه جعفر و سید معصوم و امامزاده زید و شاه جمال و ایضاً شاه جمال و امامزاده هادی و مهدی، و قدمگاه حضرت حجت قائم عجل الله فرجه. در بلوک قم مرقد مطهر زیاد است. شاه اسماعیل در بیرقان، امامزاده هادی در شنوه، معصومه در کهک، شاهپور علی در کرمجگان، معصومه در قاسم آباد و امامزاده واجب التعظیم سلطان [علی بن] محمد باقر در اردهال که صاحب صحن و سرا و موقوفات و خدام است.

تمام آنچه مرقوم شد خادم و جاروب کش دارند و شبها چراغ روشن می کنند و اهل اسلام به زیارت آنها می روند و بعضی نص از امام در جلالت قدر و ثواب زیارت آنها رسیده و بعضی محض شرافت ذاتی آنها که از خانواده رسالت می باشند محترمند. از اغلب آنها کرامات ظاهر شده و مردم در شداید و امراض خود دیناه به مرقد آنها می برند و حاجت رومی شوند. شفاعت آنها را در نزد خداوند مقبول می دانند.

## [مساجد مشهور]

### اما مساجد مشهور :

مسجد جامع شهر است که اصل بنای او را ابوالصدیم اشعری که از رؤسای اشعری و حکمران این بلد بود بنیان کرده. مقصوره و ایوان رفیعی دارد حتی مثل او در دار الخلافه ساخته نشده و به طوری بنایی نموده اند که مثل گنبد هرامان (۱) بنایی دارد که از سنگ سخت تر است. دهنه ایوان و مقصوره به قدر دوازده ذرع و اصل ایوان و اصل گنبد دوازده ذرع است و ارتفاع گنبد بیست و پنج ذرع است. در جنبین او دو شبستان مقابل ایوان و گنبد از بناهای خاقان خلد آشیان فتح علی شاه طیب الله مضجع. ایوان قرینه ای در پایین مسجد است که محل نماز است. در یمین و یسار مسجد دو شبستان است به اندازه صحن مسجد، در این دولت جاوید آیت حاجی شهاب الملك شبستان طرف یمین را سردابی ساخته که در تابستانها در ظهر و عصر در آنجا نماز می کنند. از این مسجد بهتر نیست حتی مسجد جامع ساوه و سمنان که مشهور است به این اعتبار نیست.

و دیگر از مساجد مشهور معروف قم مسجد امام حسن عسکری است که در عهد امام از وجوهات سهم امام اهالی قم احمد بن اسحاق که وکیل حضرت بود به اذن امام زمان ساخته. ایوان مرتفعی دارد و صحن وسیعی و شبستانهای متعدد. سردابی که هجده ستون می خورد حاجی ابراهیم تاجر قمی ساخته و صحن او را سنگ فرش کرده. دو شبستان او را حاجی علی نقی تاجر کاشی تعمیر کرده و ساخته، الان هم در تعمیر اوشغول است. چهار امام جماعت در آنجا نماز می کنند

که هر يك به قدر دوهزار نفر تبعه جماعت دارند .

مسجد عشق علی از مساجد قدیمه بانی او رانداستم معلوم نیست .خیلی قدیم است . مقصوده خوب دارد . شستان بسیار خوبی دارد . درمحله واقع است . اقامه جماعت در او می شود .

مسجد و مدرسه جناب رضوان مآب حاجی ملاصادق مجتهد قمی . در این دولت روزافزون ساخته شده . از بناهای مرحوم ذوالفقارخان پسر صدر اعظم نوری است که در ایام حکومت خود به اذن جناب نظام الملک ساخته . مسجد و مدرسه خوبی است . به قدر بیست نفر طلاب دارد . در آنجا اقامه جماعت می شود .

مساجد محلات بسیار است که مختصر است . اغلب امام جماعت دارند ، مابقی فرادی نماز می شود .



Handwritten text in Persian script, partially obscured by the watermark. The text appears to be a continuation of the notes or a separate entry, mentioning various details and names in a cursive style.

## [مدارس معتبر]

### اما مدارس معتبر :

**مدرسه خاقان مغفور** است که در جلو صحن مقدس [ قرار دارد ]

مشمول بر چهار ایوان رفیع و حجرات بسیار و شاه نشین. اغلب طلاب آنجا از خدام و الامقامند. قدری حجره در چهار سمت اوست، در مقابل قبله و نقطه جنوب بقعه خاقان خلد آشیان است و در غربی او عمارت سلطانی و نقطه شمال اودار. الشفا و در شرقی مزار مسلمین .

ویکی از مدارس **مدرسه فاصری** است که بنیان قدیم او را جانی خان در جلو مسجد جامع کرده و بعد از انهدام جناب فخامت نصاب حاجی میرزا نصرالله مستوفی گرکانی او را تعمیر کرده و آباد ساخت و از برای صرف روشنایی و طلاب باغ شاه خالصه را با مبلغی نقد و جنس از دیوان اعلی تبول کرده. جمیع حجرات او به قدر چهل نفر طلبه دارد و مدرس و متولی به خصوص .

ویکی **مدرسه مهدی قلی خان** است در کنار مزار مسلمین در حوالی حضرت معصومه. در قدیم مهدی قلی خان از خوانین ایران ساخته، در این دولت جاوید آیت میرزا عبدالباقی خان قزوینی که حکومت قم را داشت آنجا را تعمیر کرده و بازارچه ای در اراضی وقفی ساخته که بعضی اجاره آنها صرف بوریا و روشنایی و مخارج طلاب می شود. به قدر ده حجره دارد که بیست نفر طلاب در آنجا هست .

ویکی از مدارس معتبر **مدرسه مؤمنیه** است که در ایام سلطنت سلاطین صفویه ساخته شده. از همه مدارس وسیع تر و محکم تر . حجرات محکم و بنیان



مرصوص بوده و کتاب‌های خطی خوب وقف آن‌مدرسه بوده، درفتم افغان محمود غلیجایی آن‌مدرسه متروک و اسباب موقوفه او به هدر رفت، بعضی در خانه‌های علمای قدیم یافت می‌شود. الان متروک است و در ایام حکومت شاهزاده کیکاوس میرزا آنجا را تحویل خانه جنس دیوانی قرار داده بود. الان بعضی از قراء غرباء کمی آیند در آنجا منزل می‌گیرند، طلبه و اهل علم ندارد.

ویکی از مدارس قم مدرسه شاه خراسان مشهور است که در وقت ولیعهدی حضرت امام رضا سلام الله علیه ساخته شده، خیلی با اعتبار و وسعت. درفتم چنگیزخانی خراب شده بود حاجی سیدحسن صابونی قدری تعمیر کرد و آب انبار او را درست کرد. الان چند نفر معلمین در آنجا هستند که اطفال را درس می‌دهند. طلبه علمی ندارد.

\*

چنان ندانند که طلاب قم به این اختصار است. چون غربا در قم محصل نیستند اهل شهر در خانه‌های خود منزل دارند و در مجالس علماء حاضر می‌شوند. قاعده تدریس و مباحثه علمی در قم بسیار است و علمای اعلام بسیار است که همه مجاز و اجتهاد آنها مخفی است. *لله الحمد* متعدد و معتبرند، لولا القمیون لضاع الدین شاهد حال آنهاست تا مخفی نباشد. زیاده چه نوشته شود.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## [درباره بند میله]

در قفره بندی که در قدیم ساخته بودند که آب رودخانه قم به میله رود  
و به کویر نرودان قراری که می گویند :

چون [حکیم] باشی نوزان سؤال کرده بود که آب کویر که دریا  
شده کدام سد شکسته شده که آب به کویر افتاده. این قفره دخلی به بند عمر ندارد.  
در ایام سلطنت سلاطین سلف که پیش از سلطان سنجر سلجوقی بوده اند راه عبور  
قم به ری از کنار پل دلاک محاذی رودخانه می رفته تا کاروانسرای کاج و از آنجا  
راه می رود تا کاروانسرای دیر که منزلی بوده آجرهای آنجا یکی هفت من وزن  
دارد، از آنجا می رفته اند به ری. در میان راه کاج و دیر سدی از هیزم و خاک و شن  
ساخته اند در عرض چهار فرسخ که آب به میله می رفته و داخل کویر نمی شد.  
در این سنوات آب رودخانه ها از اعتدال گذشت و هیزم که در میان رودخانه بود  
به جهت علف شتر کلانی منع کردند. گزونی در آنجا زیاد شد و خاشاک سیل  
جلو آنها را گرفت. آب بالا آمد و از سد سرریز به کویر کرد. الان از آن عمرها  
چال و گود شده، آب به کویر می رود و به میله و سیاه کوه نمی رود.

تحقیقاً بر آورد نکرده ام بستن آنچه قدر خرج دارد لیکن می دانم تارفع  
نی و گز نشود و آن لاخها بسته نشود آب کویر نمی افتد. از آن لاخها تا کوه  
که سنگ بیندند از هر سمتی دو فرسخ است ولی سنگ بسته نمی شود هیزم بسیار  
است بی سنگ مانده.

\*

به تاریخ شب يكشنبه ۶ شهر صفر المظفر بارس نيل سنة ۱۳۰۵ به اتمام  
رسید. شب عید مولود شاهنشاه روح العالمین فداه.